

This file has been cleaned of potential threats.

If you confirm that the file is coming from a trusted source, you can send the following SHA-256 hash value to your admin for the original file.

ccbb58408186168f4b02e0abce8b97ca4bce233559e2066f7bca832d689a686e

To view the reconstructed contents, please SCROLL DOWN to next page.

جنگ نرم - تعداد فیش : 21 ، تعداد مقاله : 1

بیانات در دیدار مسئولان نظام 1393/04/16

هم در زمینه‌ی تحریم، هم در زمینه‌ی تهدید نظامی، دست دشمن خالی است: وَ لَا تَهِنُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ اگر ما [مؤمن باشیم]، دشمن در میدان واقعی کاری نمیتواند بکند. خب، حالا که کاری در میدان واقعی نمیتواند انجام بدهد و دستش از تأثیرگذاری خالی است، راه علاج دشمن چیست؟ راه علاج این است که دستگاه محاسبه‌ی طرف مقابل را دچار اختلال کند؛ دستگاه محاسباتی من و شما را؛ این کار را هم با تبلیغات، با کار سیاسی، با تماسهای گوناگون دنبال میکنند؛ میدانند که جمهوری اسلامی برای رسیدن به هدفهای خود دارای توان است؛ باید نخواهد؛ اگر «خواست»؛ میتواند؛ میخواهند کاری کنند که نخواهد. امروز تلاش دنیای استکبار و در رأس آنها آمریکا است و این همان جنگ نرمی است که ما از چند سال قبل از این درباره‌ی آن بحث کردیم، حرف زدیم؛ دیگران هم گفته‌اند و نوشته‌اند و بحث کرده‌اند.

پیام شفاهی به تشکل‌های دانشجویی انقلابی 1392/11/23

شما افسران جوان جنگ نرم هستید و عرصه‌ی جنگ نرم، بصیرتی عمارگونه و استقامتی مالک‌اشتروار میطلبد؛ با تمام وجود، خود را برای این عرصه آماده کنید.

بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان 1392/08/12

یکی از ترندها و خلاف‌گویی‌ها این است که این‌جور القا کنند به افکار عمومی مردم که اگر ما در قضیه‌ی هسته‌ای، تسلیم طرف مقابل شدیم، همه‌ی مشکلات اقتصادی و معیشتی و غیره حل خواهد شد؛ این را دارند تبلیغ میکنند. البته تبلیغاتچی‌های خارجی با شیوه‌های کاملاً ماهرانه‌ی تبلیغاتی خط میدهند، در داخل هم بعضی از روی ساده‌لوحی و بدون اینکه نیت سوئی داشته باشند، بعضی هم واقعاً از روی عرض همین را دارند تبلیغ میکنند که اگر ما در این قضیه کوتاه آمدیم و تسلیم شدیم در مقابل طرف مقابل، همه‌ی مشکلات اقتصادی و مانند اینها حل خواهد شد؛ این خطا است. چرا خطا است؟ چند علت دارد. من مایلیم شما جوانهای عزیزمان - هم شما که در این جلسه تشریف دارید، هم قشر جوان فرهنگد ما، قشر جوان آگاه ما، جوان پراکنده‌ی ما، دانشجویان ما، دانش‌آموزان ما در سرتاسر کشور که من يك وقت گفتم شماها افسران جنگ نرمید - فکر کنید روی این مسائل.

يك مسئله این است که دشمنی آمریکا با ملت ایران و با جمهوری اسلامی اصلاً حول محور هسته‌ای نیست؛ این خطا است اگر خیال کنیم که دعوای آمریکا با ما سر قضیه‌ی هسته‌ای است؛ نه، قضیه‌ی هسته‌ای بهانه است؛ قبل از اینکه مسئله‌ی هسته‌ای مطرح باشد، همین دشمنی‌ها، همین مخالفتها از اول انقلاب بود.

بیانات در اجتماع مردم اسفراين 1391/07/22

دشمنان ما برنامه‌ریزی میکنند؛ به خیال خودشان میخواهند در مقابل این ملت بزرگ و بااراده، مانع و رادع درست کنند تا این پیشرفت اتفاق نیفتد؛ اما مطمئن باشند و بدانند همچنان که از روز اول انقلاب تا امروز تجربه کردیم، در آینده هم دشمنان ما در همه‌ی توطئه‌ها و مکرها و کیدهای خود شکست خواهند خورد. سیاستمدارهای مختلفی در کشورهای معارض ما آمدند و رفتند - در آمریکا، در انگلیس، در برخی کشورهای دیگر - هرکدام که آمدند، با یک دل پرکینه و پریغض نسبت به حرکت اسلامی و انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی آمدند؛ طراحی کردند، برنامه‌ریزی کردند؛ هرچه در توان و تلاش داشتند، انجام دادند؛ به خیال اینکه جمهوری اسلامی و ملت ایران را به زانو دربریاورند. آنها رفتند، بعضی حتی نامشان هم فراموش شد؛ اما ملت ایران با سرافرازی و سربلندی بحمدالله در صحنه حاضر است و با اراده‌ی قوی‌تر و تصمیم راسخ‌تر از روز اول، راه خود را ادامه میدهد. این نشان‌دهنده‌ی قوت آینده‌ی نظام جمهوری اسلامی و این ملت بزرگی است که این نظام را خواسته‌اند و از آن پشتیبانی کرده‌اند. البته ما باید مغرور نشویم. من در کنار ذکر این حماسه‌ها، این را هم باید عرض کنم که به خود مغرور شدن و غفلت کردن از کید و مکر دشمن، خطرات بزرگی دارد. نباید مغرور شد. بنده به مسئولین همیشه توصیه میکنم، میگویم قوی باشید، اما دشمن را هم ضعیف ننگارید. نباید از دشمن غفلت کرد. دشمن از راههای مختلف وارد میشود؛ یک روز صحبت تحریم است، یک روز صحبت تعرض نظامی است، یک روز صحبت جنگ نرم است، یک روز صحبت تهاجم فرهنگی و ناتوی فرهنگی است. دشمن از راههای مختلفی وارد میشود؛ باید هشیار بود.

بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها 1391/05/22

فرهنگ تلاش و مجاهدت برای جبهه‌ی حق باید در دانشگاه توسعه پیدا کند. از جمله‌ی مطالبی هم که دوستان گفتند، یکی همین است؛ فرهنگ معنویت و اخلاق، یا آنچه‌ای که یکی از آقایان بیان کردند، هنر به معنای آزادگی، به معنای سربلندی، به معنای ارزش؛ این کاملاً درست است. این فرهنگ باید در دانشگاه توسعه پیدا کند. در این مورد، نقش اساتید، نقش بسیار برجسته‌ای است؛ و این همان فرماندهی جنگ نرم است که من مکرر مطرح کردم و گفتم اساتید فرماندهان جنگ نرمند.

بیانات در دیدار دانشجویان 1391/05/16

من حالا یک جمله راجع به مسئله‌ی جنگ نرم بگویم. من اینجا مقداری مطلب یادداشت کردم، منتها می‌بینم نزدیک اذان است؛ نمیخواهم وقت بگذرد. ما عرض کردیم افسران جوان جنگ نرم. اعتقاد من این است - این هیچ تعارف نیست - که در این میدان، شماها افسرید؛ سرباز صفر نیستید. شما جوانید، میدان مبارزه‌ی شما هم میدان جنگ نرم است. امروز خوشبختانه جنگ نظامی نداریم؛ اگر یک وقتی جنگ نظامی هم پیش بیاید، باز پیشقراولهایش جوانهایند. امروز جنگ نرم مطرح است؛ نه امروز، سی سال است مطرح است. در جنگ نرم، آن چیزی که باید مورد توجه باشد، این است: در جنگ نرم و جنگ روانی - که جنگ روانی یکی از بخشهای جنگ نرم است - هدف دشمن این است که محاسبات طرف مقابل را عوض کند. جنگ نرم مثل جنگ نظامی نیست. در جنگ نظامی هدف دشمن این است که مثلاً بیاید پایگاه طرف مقابل یا کشور مورد حمله را نابود کند و از بین ببرد، یا سرزمین را تصرف کند. در جنگ اقتصادی هدف این است که زیرساختهای اقتصادی را از بین ببرد. در جنگ نرم، هدف این چیزها نیست؛ این چیزها گاهی وسیله است برای آن هدف جنگ نرم. در جنگ نرم، هدف آن چیزی است که در دل شماست، در ذهن شماست؛ در مغز شماست؛ یعنی اراده‌ی شما. دشمن میخواهد اراده‌ی شما را عوض کند.

البته اینها حرفهای پنهان نیست. اوائل این حرفها را نمیگفتند، اما حالا مدتهائی است که دشمنان ما این حرفها را میگویند و به زبان می‌آورند. میگویند میخواهیم ملت ایران - حالا آنها میگویند مسئولین، اما در واقع ملت ایران مورد نظرشان است - محاسباتش عوض شود. ما با یک محاسبه‌ای، یک راهی را انتخاب کردیم. انقلاب اسلامی آمد تحولات عمده‌ای را در این کشور به وجود آورد؛ سلطنت را تبدیل کرد به حکومت مردم، مردم‌سالاری؛ وابستگی را تبدیل کرد به استقلال؛ عقب‌ماندگی تاریخی مرمز را تبدیل کرد به پیشرفت - که دارید می‌بینید - تحقیرشدگی را تبدیل کرد به اعتماد به نفس و احساس عزت؛ اینها کارهای انقلاب بوده. خب، دشمن ما، یعنی آن دستگاه مقتدر مادی که تا قبل از انقلاب بر اقتصاد این کشور و سیاست این کشور و فرهنگ این کشور و منابع این کشور و تصمیمهای مسئولان این کشور مسلط بوده، از این وضع ناراحت است؛ میخواهد این را عوض کند؛ چه کار کند؟ برای او تنها راه، منحصر در این است که ملت ایران و مسئولین ایران در نهایت به یک محاسبه‌ای برسند که احساس کنند ادامه‌ی این راه به صرفشان نیست. دشمن میخواهد این محاسبه را بر ذهن شما تحمیل کند؛ میخواهد من و شما به این نتیجه برسیم که صلاح نیست در مقابل آمریکا، در مقابل استکبار، در مقابل دستگاه‌های سیاسی تابع کارتل‌های گوناگون اقتصادی، خیلی هم بایستیم و خیلی هم مقاومت کنیم؛ از بعضی از حرفها باید دست بکشیم؛ کمالینکه گفتند دیگر، در یک برهه‌ای کسانی گفتند آقا ول کنید قضیه‌ی اسرائیل را، ول کنید قضیه‌ی فلسطین را، ول کنید قضیه‌ی عدالت در سطح جهانی و حمایت از ملت‌های عدالت‌خواه را، رها کنید این حرفها را؛ چه کار دارید؟ به خودتان بچسبید. این همان تغییر محاسبات است. دشمن این را میخواهد. در مقابل این، افسر جنگ نرم باید مقاومت

کند. چگونه مقاومت کند؟

اولاً معرفت‌ها را بالا ببرید. عزیزان من! سقف معرفت خودتان را، سایت‌های سیاسی و اوراق روزنامه‌ها و پرسه زدن در سایت‌های گوناگون قرار ندهید؛ سقف معرفت شما اینها نیست. البته من امروز از این حرف‌هایی که زدن، حقیقتاً لذت بردم؛ حرف‌های خوب، حرف‌های پخته، تعبیرات جاف‌ناده، جمله‌بندی‌های درست؛ این خوشحال‌کننده است. من می‌خواهم بگویم هرچه می‌توانید، اولاً در این بخش کار کنید. سطح معرفت را بالا ببرید. با قرآن، با نوشتجات مرحوم شهید مطهری، با نوشتجات فضلالی بزرگی که خوشبختانه امروز در حوزه‌های علمیه حضور دارند، آشنا شوید. امروز فضلالی جوانی در حوزه‌های علمیه هستند که می‌توانند در این قسمت به مجموعه‌ی جوانهای دانشگاهی یاری بدهند؛ کم‌اینکه کارهای خوبی هم دارد انجام می‌گیرد. سطح معرفت دینی بالا برود؛ این یکی از کارهاست که حتماً لازم است. به نظر من آن کاری که مهم است انجام بگیرد، مطالعات اسلامی است.

نظارت و توجه به اوضاع کشور. نگاه مستفسرانه و دنبال پیدا کردن واقعیت، همراه با انتقاد. قبلاً هم عرض کردم که انتقاد هیچ اشکالی ندارد. نگاه منتقدانه هیچ اشکالی ندارد، منتها انتقاد درست؛ بی‌انصافی نشود. آدم گاهی می‌بیند در بعضی از انتقادات، بی‌انصافی می‌شود. حالا شما یک خرده تندید و جوان هم هستید و آدم خیلی هم توقع ندارد؛ اما آت‌هایی که ریش و سیبیلشان سفید هم شده، گاهی اوقات انسان می‌بیند که بی‌انصافی می‌کنند؛ در بیان کردن و گفتن و حرف زدن نسبت به این و آن، بی‌ملاحظگی می‌کنند. مراقبت کنید بی‌انصافی نشود. بنابراین نقد مستمر، نظارت مستمر و متعادل بر اوضاع کشور، بر مدیریتها، جزو کارهای بسیار لازم است؛ البته باید با عقلانیت و با مدارا همراه باشد، بدون افراط، بدون پرخاشگری؛ اما نگاه نقادانه. به نظر من این هم کار لازم دیگری است.

ارتباط با تشکلهای دانشجویی جهان اسلام هم کار لازمی است که یکی از دوستان در اینجا مطرح کردند؛ بنده هم تأیید می‌کنم. امروز در دنیای اسلام، در ذیل بیداری اسلامی، مجموعه‌های دانشجویی - حالا چه جور تشکلی اند، شاید همه‌شان یکسان هم نباشد - مجموعه‌های فعالی هستند، قبلاً هم فعال بودند؛ بعضی‌هاشان در این حرکتها نقش‌آفرینی اساسی کردند. به نظر من با اینها ارتباط داشته باشید. دستگاه‌های گوناگون کشور در این زمینه باید به شما کمک کنند؛ البته ما هم سفارش خواهیم کرد.

یکی از دوستان گفتند که چهار پنج ماه گذشته، اما شورای عالی سایبری کاری انجام نداده. من عرض می‌کنم این قضیه، قضیه‌ی چهار پنج ماهه نیست؛ این قضیه، قضیه‌ی چند ساله است. این کاری که ما شروع کردیم، توقع خود بنده این است که بعد از چهار پنج سال ان‌شاء‌الله نتایجش را ببینیم. اینکه شما حالا توقع داشته باشید که بعد از پنج شش ماه آدم ببیند که مسائل سایبری کشور اصلاح شده و شبکه‌ی اینترنت ملی به وجود آمده و فلان؛ نه، به این زودی‌ها اینها جواب‌دیده نیست؛ بالاخره از همین امکانات موجود باید استفاده کرد.

عزیزان من! اساسی‌ترین قضیه هم امید است. من به شما عرض بکنم؛ از جمله‌ی سخت‌ترین کارهایی که علیه من و شما دارد انجام می‌گیرد، این است که امید را در ماها بمیرانند. سعی کنید امید را زنده نگه دارید. هرچه می‌توانید، شعله‌ی امید را در دل خودتان و در دل مخاطباتان زنده نگه دارید. با امید است که میشود پیش رفت. امید هم امید بیجا نیست؛ امیدی است که واقعیتها کاملاً ما را به درستی آن نوید میدهد.

بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران 1390/04/13

نسل‌های متجدد سپاه، متبدل سپاه، نسل‌های آینده‌ی سپاه باید سعی کنند یک قدم جلوتر و بالاتر از نسل‌های گذشته بردارند. یعنی عالم رو به رشد است، رو به تکامل است؛ حرکت، حرکت تکاملی است، پس جا دارد اگر ما انتظار داشته باشیم، توقع داشته باشیم که جوان وارد شده‌ی در سپاه امروز، از لحاظ معرفت، بصیرت، آگاهی، فداکاری، آماده‌به‌کاری، درست کار انجام دادن، بجا کار انجام دادن، بهنگام کار انجام دادن - که اینها خصوصیات است که سپاه از خودش در طول این سالها نشان داده است - یک قدم سپاه را از نسل گذشته بالاتر ببرد. به سپاه امروز که انسان نگاه کند، ببیند که کیفیت بالاست. این ممکن هم هست؛ نگوئید چطور چنین چیزی ممکن است. نه، کاملاً ممکن است. یعنی شما نگاه کنید به شرائطی که آن روز بود؛ جنگی وجود داشت و حضور دشمن در خاک ما؛ چه قبل از جنگ تحمیلی هشت ساله، حضور ضد انقلاب مسلح، چه بعد هم که جنگ شروع شد، خود این یک عامل و انگیزه‌ی قوی‌ای بود که آدم‌های بی‌تفاوت را هم حرکت میداد و می‌آورد داخل آن صحنه‌ی عجیب و پرشور. امروز آن جنگ نیست؛ یک جنگ ظریف‌تری هست و البته خطرناک‌تری. آگاهی از اعماق این جنگ یک توانایی بیشتر و هوشمندی بیشتری را میطلبد. اگر ما دیدیم امروز کسانی وارد این میدان هستند و تلاش میکنند و مبارزه میکنند و با بصیرت در وسط میدان می‌ایستند، پس جا دارد که بگوئیم این از لحاظ انگیزه، از لحاظ عمل، کمتر از او نیست. اگر بهتر عمل کند، بهتر هم هست. در آینده هم همین جور میتواند باشد؛ همت را این باید قرار داد.

بیانات در دیدار فرماندهان و خلبانان نیروی هوایی ارتش 1389/11/19

یکی از چیزهایی که قطعاً منافی با پیشرفت است، اختلاف و تفرقه است؛ تفرقه‌ی میان آحاد ملت، تفرقه‌ی میان مسئولین، تفرقه‌ی میان بخش‌های گوناگون نظام، تفرقه‌ی میان نظام و مردم. این انسجام و یکپارچگی‌ای که انقلاب به ما داد، باید مثل یک ناموس مقدسی حفظ شود، از آن پاسداری شود. یکی از مهمترین کارهایی که در جنگ نرم دشمن وجود دارد - همیشه وجود داشته، امروز هم وجود دارد - این است که در این اتحاد یک تزلزلی ایجاد کنند، شکاف ایجاد کنند. برای این کار تلاش میکنند؛ بین شیعه و سنی اختلافات مذهبی ایجاد کنند، بین فارس و عرب و ترک و گُرد و دیگران اختلافات قومی ایجاد کنند، اختلافات منطقه‌ای ایجاد کنند، اختلافات سازمانی ایجاد کنند، اختلافات حزبی ایجاد کنند.

با همه‌ی اینها باید با توجه کامل مقابله کرد؛ یعنی همان چیزی که ما به آن می‌گوئیم بصیرت. بدانیم کجائیم. این سنگری را که امروز شما در آن حضور دارید، بشناسیم. فرق است بین آن سربازی که در یک سنگر حساسی قرار گرفته و میدان که سنگر او چقدر حساس است، اهمیت کار خود و جایگاه خود را میداند، و بین آن کسی که در همان سنگر است، اما نمیداند چقدر مهم است؛ خوابش می‌برد، غفلت میکند، سنگر را رها میکند، در داخل سنگر با همسنگرش دعوا میکند. بدانیم جایگاه ملت ایران چقدر حساس است.

بیانات در دیدار جمعی از مردم استان گیلان 1389/10/08

چالش عظیمی بود؛ دشمن از آن طرف حمایت کند، کمک سیاسی بکند، اسم بیاورد - دشمن از فتنه‌گران اسم بیاورد - ملت ایران از این طرف با استحکام کامل در صحنه باشد. همان طور که ملت ایران در جنگ تحمیلی هشت سال از خود ابتکار نشان داد، شجاعت نشان داد، فداکاری نشان داد، در همه‌ی صحنه‌ها حاضر شد، در این جنگ نرم هم هشت ماه ملت ایران حقیقتاً از خود مهارت نشان داد. انسان وقتی به مسائل نگاه میکند و می‌خواهد از یک افق بالاتری مسائل را بررسی کند، متخیر میماند؛ این چه دست قدرت الهی است که اینجور دلهای ما را، جانهای ما را به سمت اهداف خود حرکت میدهد؟ کار خداست. خدا با شماست. این خداست که شما را هدایت میکند. این خداست که دلهای من و شما را متوجه به راه درست میکند.

بیانات در دیدار بسیجیان استان قم 1389/08/02

امروز یکی از خطوط اصلی کار دشمن - که از عناصر مهم جنگ نرم به حساب می‌آید - این است که واقعیات را دگرگون جلوه دهد، حوادث گوناگون را دگرگون جلوه دهد. خود تبلیغاتی که دشمن در این زمینه انجام میدهد، نشانه‌ی ضعف اوست. دشمن هر جا که در میدان واقعیت دچار مشکل میشود و کم می‌آورد، بر حجم تبلیغات می‌افزاید. امروز اگر کسی کارهای دشمن را در عرصه‌ی عظیم شیوه‌های تبلیغاتی ملاحظه کند؛ از وسائل اینترنتی گرفته تا وسائل صوتی و تصویری، تا بلندگوهای که در جاهای مختلف دارند - در داخل هم دارند - می‌بیند یک قلم عمده این است که حوادث کشور را دگرگون جلوه دهند؛ وضع کشور را مایوس‌کننده، ناامید کننده، رو به زوال، رو به انحطاط، رو به بن‌بست نشان دهند. تلاش زیاد آنها در این زمینه، خود نشانه‌ی ضعف آنها در میدان واقعیت است.

دشمن در همه‌ی دوران سی ساله، این تلاش را داشت؛ البته امروز بیشتر است. امروز چون مسئولین کشور و دولتی که بر سر کار است، شعارهای انقلاب را پررنگ‌تر و جدی‌تر مطرح میکند؛ خط امام، خط انقلاب، خط کار برای مردم، امروز کاملاً برجسته و پررنگ است؛ مسئولین احساس میکنند با مردمند، از جنس مردمند، مردم هم این را

احساس میکنند، بنابراین تبلیغات بیشتر است. امروز اگر به تبلیغات دشمن نگاه کنید، می‌بینید اگر در مسائل اقتصادی اظهار نظر میکنند، همه‌ی حرفشان این است که بن‌بست است، گره ناگشودنی است، اشکالات فراوان است، فردا چنین خواهد شد. یک عده‌ای هم این مسائل را باور میکنند و همانها را در داخل تکرار میکنند. قبل از شروع انتخابات و آن قضایای فتنه، بعضی از کسانی که بعداً امتحان خودشان را در فتنه دادند، به ما مراجعه میکردند که آقا سال آینده، سال سختی است - یعنی همان سال 88 - از لحاظ اقتصادی چنین است، چنان است؛ فضا را تنگ، تاریک، مشکل، غیر قابل عبور جلوه میدادند؛ مسئولین را یک جور میخواستند دلسرد کنند، مردم را یک جور. این تبلیغات نشانه‌ی این است که آنها از این حرکت عظیم و پرشتاب مسئولین و مردم عقب ماندند. پس اگر چنانچه این جهتگیری دشمن دانسته شد، نگاه انسان به واقعیت، نگاه درستی خواهد شد؛ نگاه نافذی خواهد شد.

بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور 1388/09/04

همه این را امروز فهمیده‌اند و دانسته‌اند که مواجهه‌ی استکبار با نظام جمهوری اسلامی، دیگر از نوع مواجهه‌ی دهه‌ی اول انقلاب نیست. در آن مواجهه، زورآزمایی کردند؛ شکست خوردند. مواجهه‌ی سخت بود؛ ایجاد جنگ بود، کودتا بود. در اول انقلاب کودتا راه انداختند، شکست خوردند؛ شورشهای قومی راه انداختند، سرکوب شدند و شکست خوردند؛ جنگ تحمیلی را به راه انداختند که هشت سال به طول انجامید، شکست خوردند؛ پس دنبال این راه‌ها نخواهند رفت، یعنی احتمالش ضعیف است. البته باید همیشه هشیاری نسبت به همه‌ی جوانب باشد. اما این، اولویت استکبار در مواجهه‌ی با نظام اسلامی نیست. اولویت، آن چیزی است که امروز به آن میگویند جنگ نرم؛ یعنی جنگ به وسیله‌ی ابزارهای فرهنگی، به وسیله‌ی نفوذ، به وسیله‌ی دروغ، به وسیله‌ی شایعه‌پراکنی؛ با ابزارهای پیشرفته‌ای که امروز وجود دارد، ابزارهای ارتباطی‌ای که ده سال قبل و پانزده سال قبل و سی سال قبل نبود، امروز گسترش پیدا کرده. جنگ نرم یعنی ایجاد تردید در دلها و ذهنهای مردم. یکی از ابزارها در جنگ نرم این است که مردم را در یک جامعه نسبت به یکدیگر بدبین کنند، بددل کنند، اختلاف ایجاد کنند؛ یک بهانه‌ای پیدا کنند، با این بهانه بین مردم ایجاد اختلاف کنند؛ مثل همین قضایای بعد از انتخابات امسال که دیدید یک بهانه‌ای درست کردند، بین مردم ایجاد اختلافی کردند. خوشبختانه مردم ما با بصیرتند. اینجور کاری در کشورهای دیگر اوضاع کشور را بکلی عوض کرد؛ در جاهای دیگر، تردیدافکنی در دلهای مردم نسبت به یکدیگر؛ یک بهانه‌ای مثل بهانه‌ی انتخابات را پیش بکشند، ایجاد تردید کنند، دلها را نسبت به یکدیگر چرکین کنند، مردم را در مقابل هم قرار بدهند؛ بعد در میانه، عناصر دست‌آموز مغرض معاند را به کارهای خلاف وادار کنند و مسئولین کشور نتوانند تشخیص بدهند کی بود، چی بود، چه شد. این جزو طرحهای اساسی است. اینجور کاری را دنبال میکنند.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری 1388/07/02

معارضه‌ی با نظام، یک سابقه‌ی سی ساله در این انقلاب دارد؛ چیز جدیدی نیست. آشکال معارضه گوناگون بوده است، اما همیشه بوده است؛ شدتاً، ضعیفاً، متناسب با وضعیت ما در داخل بوده. هر جا احساس کردند و هر وقت احساس کردند میتوانند حضور قوی‌تری پیدا کنند، ضربه‌ای را که میتوانند - به خیال خود - وارد کردند. و انقلاب هم در طول این سی سال در مقابل این ضربات ایستاده است؛ نه فقط ضعیف نشده، بلکه روز به روز بحمدالله کشور و نظام جمهوری اسلامی قوی‌تر هم شده. منتها یک نکته وجود دارد و او این است که هر چه ما در نظام جمهوری اسلامی، توانستیم ریشه‌ی خودمان را عمیق‌تر کنیم و بیشتر برویم و کارهایمان را پیچیده‌تر بکنیم، توطئه‌ی دشمن هم پیچیده‌تر شده است؛ این را باید توجه داشت. درست است که ما تجربه‌ی غلبه‌ی بر چالشهای تحمیل شده را داریم - نه فقط در یک مورد و دو مورد؛ در تمام این سی سال، تجربه‌ی نظام جمهوری اسلامی، تجربه‌ی غلبه‌ی بر چالشها و بر معارضه‌ها و دشمنی‌هاست - ولی بایستی توجه کرد که - همانطور که اشاره فرمودند - دشمن، «من نام لم ینم عنه»؛ بیدار است؛ خبرهایی که از مراکز حساس سیاسی و امنیتی دنیا به دست ما میرسد، نشان میدهد که دستگاه‌های عظیمی، گسترده‌ای، با بودجه‌های کلانی، به طور دائم متوجه به نظام جمهوری اسلامی هستند؛ با انگیزه‌هایی که دارند، که گفته شده است و معلوم است برای ما و شما. دارند کار میکنند؛ هر روز طرحی را به میدان می‌آورند و هر روز عرصه‌ی جدیدی را در مقابل جمهوری اسلامی می‌آریند. و این ادامه هم پیدا خواهد کرد، تا وقتی که مایوس بشوند؛ آن وقتی که نظام جمهوری اسلامی به نصابهای مشخصی در زمینه‌های سیاسی، در زمینه‌های اقتصادی، در زمینه‌های امنیتی، در زمینه‌های علمی، در زمینه‌های اخلاقی برسد. تا جمهوری اسلامی به این نصابهای معین نرسیده است، اینها ادامه پیدا خواهد کرد؛ به آنجا که رسیدیم، دشمن طبعاً مایوس خواهد شد و واقعیت را به طور کامل خواهد پذیرفت. به هر حال امروز توطئه‌ی دشمن، توطئه‌ی پیچیده‌ای است.

ما باید جوانب این توطئه را بروشنی بشناسیم و بشناسیم؛ وظیفه‌ی ما این است. امروز جنگ نظامی با ما خیلی محتمل نیست - نمیگوئیم بکلی منتفی است، اما خیلی محتمل نیست - لکن جنگی که وجود دارد، از جنگ نظامی اگر خطرش بیشتر نباشد، کمتر نیست؛ اگر احتیاط بیشتری نخواهد، کمتر نمیخواهد. در جنگ نظامی دشمن به سراغ سنگرهای مرزی ما می‌آید، مراکز مرزی ما را سعی میکند منهدم بکند تا بتواند در مرز نفوذ کند؛ در جنگ روانی و آنچه که امروز به او جنگ نرم گفته میشود در دنیا، دشمن به سراغ سنگرهای معنوی می‌آید که آنها را منهدم کند؛ به سراغ ایمانها، معرفتها، عزمها، پایه‌ها و ارکان اساسی یک نظام و یک کشور؛ دشمن به سراغ اینها می‌آید که اینها را منهدم بکند و نقاط قوت را در تبلیغات خود به نقاط ضعف تبدیل کند؛ فرصتهای یک نظام را به تهدید تبدیل کند. این کارهایی است که دارند میکنند؛ در این کار تجربه هم دارند، تلاش هم زیاد دارند میکنند، ابزار فراوانی هم در اختیارشان هست. باید ابعاد دشمنی را بدانیم تا بتوانیم بر او فائق بیاییم. البته ما مدد الهی داریم، کمک غیبی داریم بدون شک؛ این را انسان دارد مشاهده میکند؛ لکن ما مادامی که هوشیارانه، آگاهانه در میدان نباشیم، تدبیر لازم را به کار نبریم، کمک الهی به سراغ ما نخواهد آمد.

بیانات در دیدار جمعی از شعرا 1388/06/14

حرکت عظیم انقلاب اسلامی، یک حرکت تمام شده نیست. حالا یک گوشه‌ی از لشکر آن من و شماست که حالا یک ذره مثلاً اهل ادب و فرهنگ و اینها محسوب میشویم؛ «و لله جنود السماوات والارض»؛ لشکر او زمین و آسمان نمیشناسد؛ «و کان الله عزیزاً حکیماً»؛ خدا عزیز است - عزیز یعنی غالب لایغلب، یعنی بی‌نیاز از همه - من و شما هم حالا یک گوشه‌ای از کار را در دست میگیریم. این حرکت عظیمی که با انقلاب اسلامی شروع شد، یک حرکت تمام شده نیست؛ مطلقاً تمام شده نیست، آن حرکت ادامه دارد. همین که حالا معمول شده که در بیانها و در تلویزیون و توی تبلیغات و توی دادگاه و توی زبان همه، میگویند: جنگ نرم؛ راست است، این یک واقعیت است؛ یعنی الان جنگ است. البته این حرف را من امروز نمی‌زنم، من از بعد از جنگ - از سال 67 - همیشه این را گفته‌ام؛ بارها و بارها. علت این است که من صحنه را می‌بینم؛ چه بکنم اگر کسی نمی‌بیند؟! چه کار کند انسان؟! من دارم می‌بینم صحنه را، می‌بینم تجهیز را، می‌بینم صف‌آرایی‌ها را، می‌بینم دهانهای با حقد و غضب گشوده شده و دندانهای با عیظ به هم فشرده شده علیه انقلاب و علیه امام و علیه همه‌ی این آرمانها و علیه همه‌ی آن کسانی که به این حرکت دل بسته‌اند؛ اینها را انسان دارد می‌بیند، خوب چه کار کند؟ این تمام نشده. چون تمام نشده، همه وظیفه داریم. وظیفه‌ی مجموعه‌ی فرهنگی و ادبی و هنری هم وظیفه‌ی مشخصی است؛ بلاغ، تبیین، بگوئید، خوب بگوئید. من همیشه تکیه بر این میکنم؛ بایستی قالب را خوب انتخاب کنید و هنر را بایستی تمام عیار توی میدان بیاورید؛ نباید کم گذاشت، تا اثر خودش را بکند.

بیانات در دیدار اساتید دانشگاه 1388/06/08

کشور در برهه‌ای از زمان در معرض یک آزمون سیاسی بسیار تعیین کننده‌ای قرار گرفت و همان طور که بعضی از دوستان اشاره کردند، هاضمه‌ی نظام و کشور توانست حوادث را در درون خودش هضم کند و فائق بیاید. من قبلاً هم گفتم، بروز چنین حوادثی برای ما هیچ خلاف انتظار نیست. یعنی حالا اگر تعبیر دقیقتری بخواهم بکنم، «چندان» نگوئیم؛ «هیچ» خلاف انتظار نیست. یعنی تا حدود زیادی انتظار حوادثی از این قبیل هست، به دلایل گوناگون؛ رسالتی که برای نظام قائلیم، رسالتی که برای اسلام قائلیم، معنایی که برای جمهوری اسلامی در ذهنمان داریم، تعریفی که جمهوری اسلامی از خودش برای ما در طول این سی سال کرده، هوشمندی مردمان و جوانانمان که به تجربه رسیده، وجود آزادی‌ناگزیر که به حکم اسلام باید این آزادی در کشور باشد و ما به آن اعتقاد داریم - اعتقاد ما به آزادی یک مسئله‌ی تاکتیکی نیست؛

یک مسئله واقعی است. آزادی به همان معنایی که جمهوری اسلامی تعریف میکند، نه به معنایی که غربی‌ها تعریف میکنند، که آن، به نظر ما انحراف است. آنجائی که باید آزادی باشد، نیست؛ آنجائی که باید محدودیت باشد، قیدها گسسته است و آزادی هست! آن را ما مطلقاً قبول نداریم؛ تو رودرپستی غرب هم گیر نمیکنیم. ما آزادی را با همان مفهوم اسلامی خودش قبول داریم، که البته تو آن آزادی بیان هست، آزادی رفتار هست، آزادی فکر هست - این حوادث چندان خلاف انتظار نیست. آنچه که مهم است این است که یک انسان با شرف، مؤمن، معتقد به اهداف والای جمهوری اسلامی، بداند که در این جور حوادث چه کار باید بکند؛ این، مهم است. این، آن چیزی است که مخاطبه‌ی من با شما دانشگاهیان را در این مسئله‌ی خاص الزامی میکند، که من - البته کوتاه صحبت میکنم، بنا هم ندارم در این زمینه تفصیلاً حرف بزنم - در چند روز پیش هم که جوانهای دانشجو اینجا بودند - حسینه همین طور که حالا اجتماع هست، اجتماعی بود از جوانها - به آنها گفتم که ما با جنگ نرم، با مبارزه‌ی نرم از سوی دشمن مواجهیم، که البته خود جوانها هم همین را می‌گفتند؛ مگر قبل از اینکه بنده بگویم، آنها هم می‌گفتند و همه این را میدانستند. آئی که من اضافه کردم این بود که گفتم: در این جنگ نرم، شما جوانهای دانشجو، افسران جوان این جبهه‌اید. نگفتم سربازان، چون سرباز فقط منتظر است که به او بگویند پیش، برود جلو؛ عقب بیا، بیاید عقب. یعنی سرباز هیچگونه از خودش تصمیم‌گیری و اراده ندارد و باید هر چه فرمانده میگوید، عمل کند. نگفتم هم فرماندهان طراح فرارگاه‌ها و یگانهای بزرگ، چون آنها طراحی‌های کلان را میکنند. افسر جوان تو صحنه است؛ هم به دستور عمل میکند، هم صحنه را درست می‌بیند؛ با جسم خود و جان خود صحنه را می‌آزماید. لذا اینها افسران جوانند؛ دانشجو نقشش این است. حقیقتاً افسران جوان، فکر هم دارند، عمل هم دارند، تو صحنه هم حضور دارند، اوضاع را هم می‌بینند، در چهارچوب هم کار میکنند. خوب، با این تعریف، استاد دانشگاه چه رتبه‌ای دارد؟ اگر در زمینه‌های مسائل اجتماعی، مسائل سیاسی، مسائل کشور، آن چیزهایی که به چشم باز، به بصیرت کافی احتیاج دارد، جوان دانشجو ما، افسر جوان است، شما که استاد او هستید، رتبه‌ی بالاتر افسر جوانید؛ شما فرمانده‌ای هستید که باید مسائل کلان را ببیند؛ دشمن را درست شناسائی بکنید؛ هدفهای دشمن را کشف بکنید؛ احیاناً به فرارگاه‌های دشمن، آنچنانی که خود او نداند، سر بکشید و بر اساس او، طراحی کلان بکنید و در این طراحی کلان، حرکت کنید. در رتبه‌های مختلف، فرماندهان بالا این نقشها را ایفا میکنند.

بیانات در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی 1388/06/04

امروز جمهوری اسلامی و نظام اسلامی با یک جنگ عظیمی مواجه است، لیکن جنگ نرم - که دیدم همین تعبیر «جنگ نرم» توی صحبت‌های شما جوانها هست و الحمدلله به این نکات توجه دارید؛ این خیلی برای ما مایه‌ی خوشحالی است - خوب، حالا در جنگ نرم، چه کسانی باید میدان بیابند؟ قدر مسلم نخبگان فکری‌اند. یعنی شما افسران جوان جبهه‌ی مقابله‌ی با جنگ نرمید.

اینی که چه کار باید بکنید، چه جوری باید عمل کنید، چه جوری باید تبیین کنید، اینها چیزهایی نیست که من بیایم فهرست کنم، بگویم آقا این عمل را انجام بدهید، این عمل را انجام ندهید؛ اینها کارهایی است که خود شماها باید در مجامع اصلی‌تان، فکری‌تان، در اتاقهای فکرتان بنشینید، راهکارها را پیدا کنید؛ لیکن هدف مشخص است؛ هدف، دفاع از نظام اسلامی و جمهوری اسلامی است در مقابله‌ی با یک حرکت همه‌جانبه‌ی متکی به زور و تزویر و پول و امکانات عظیم پیشرفته‌ی علمی رسانه‌ای. باید با این جریان شیطانی خطرناک مقابله شود.

آنها برای حمله‌ی به جمهوری اسلامی استدلال دارند. به نظر من استدلالشان از دیدگاه آنها استدلال تامی است. در یک نقطه‌ی بسیار حساس جهان از لحاظ جغرافیائی، یعنی این نقطه‌ی خاورمیانه، خلیج فارس، دریای سرخ، شمال آفریقا، بخشی از مدیترانه - این حوزه‌ی عظیمی است دیگر - مجموعه‌ی امت اسلامی واقع شده. الان شما ببینید از این پنج تا، شش تا گذرگاه آبی حساس حیاتی که در دنیا وجود دارد، سه تایش توی این منطقه است: تنگه‌ی هرمز است، کانال سوئز است، باب‌المندب است. اینها گذرگاه‌های مهمی است که تجارت جهانی متوقف به اینهاست. شما نقشه‌ی جهان را بردارید جلوی رویتان نگاه کنید، خواهید دید که این چند تا مرکز چقدر برای ارتباط تجاری و ارتباط اقتصادی دنیا مهم است. بنابراین، این منطقه، منطقه‌ی حساسی است. حالا در این منطقه‌ی بسیار حساس، یک قدرتی دارد قد میکشد و روزه‌روز خودش را بیشتر نشان میدهد. این قدرت با همه‌ی خواسته‌های استکباری و دستگاه‌های کمپانی‌ها و شبکه‌های عظیم اقتصادی مفسد فی‌الارض مخالف است؛ با نظام سلطه مخالف است، با سلطه‌گری مخالف است، با ظلم مخالف است؛ خوب، این خیلی برای دستگاه استکبار مهم است. دستگاه استکبار فقط ایالات متحده‌ی آمریکا نیست، یا فلان رئیس جمهور و فلان دولت آمریکا یا فلان کشور اروپائی نیست؛ دستگاه استکبار یک شبکه‌ی عظیم‌تری است که شامل اینهاست؛ شبکه‌ی صهیونیستی هست، شبکه‌ی تجار اساسی بین‌المللی هست، مراکز پولی عظیم دنیا هست؛ اینها هستند که مسائل سیاسی دنیا را دارند طراحی میکنند؛ دولت‌ها را اینها می‌آورند، اینها می‌برند. این مجموعه که تویش دولت ایالات متحده هست، دولت‌های اروپائی هستند، خیلی از این نفتخوارهای ثروتمند منطقه‌ی خودمان هستند، با یک چنین قدرتی رو به رشد رو به اعتلا در حال قدکشی بشدت مخالفند؛ بنابراین هرچه بتوانند، در مقابله‌ی او کار میکنند. توی این سی سال هم بیکار نماندند، هرچه بگذرد هم باز بیکار نمی‌مانند؛ مگر آن وقتی که شماها همت کنید؛ شما جوانها کشور را از لحاظ علمی، از لحاظ اقتصادی، از لحاظ امنیتی به نقطه‌ای برسانید که امکان آسیب پذیریش نزدیک به صفر باشد؛ آن وقت کنار میکشند و توپنه‌ها تمام خواهد شد. اینی که من توی این چند سال به دانشگاه‌ها مرتب راجع به مسائل علم و تحقیق و پژوهش و نوآوری و جنبش نرم‌افزاری و ارتباط صنعت و دانشگاه و اینها این همه تأکید کردم، برای خاطر این است که یک رکن امنیت بلندمدت کشور و ملتتان علم است.

بیانات در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی 1388/06/04

شما جوانانی که گفتیم افسران جوان مقابله‌ی با جنگ نرم هستید، از من نپرسید که نقش ما دانشجویان در تخریب مسجد ضرار کنونی چیست؛ خوب، خودتان بگردید نقش را پیدا کنید. یا مقابله‌ی با نفاق جدید، یا تعریف عدالت. من اینجا بیایم بنشینم یک بحث فلسفی بکنم، عدالت چند شعبه دارد، چه جوری است. حالا بامزه این است که ایشان میگویند توی یک جمله بیان کنید. معروف است یک نفری زمان شیخ انصاری پسرش را آورده بود نجف. دید طلبه‌ها درس میخوانند و ملا میشوند و شیخ انصاری هم خوب، شخص بزرگی بود؛ هوس کرد پسرش را طلبه کند. آمد به پیش شیخ انصاری، گفت شیخنا! این نوجوان را من آورده‌ام و خواهش میکنم تا فردا که می‌خواهیم راه بیفتیم برویم، شما او را فقیه کنید!

عزیزان من! شرط اصلی فعالیت درست شما در این جبهه‌ی جنگ نرم، یکی‌اش نگاه خوشبینانه و امیدوارانه است. نگاهتان خوشبینانه باشد. ببینید، من در مورد بعضی‌تان به جای پدربزرگ شما هستم. من نگاهم به آینده، خوشبینانه است؛ نه از روی توهم، بلکه از روی بصیرت. شما جوانید - مرکز خوشبینی - مواظب باشید نگاهتان به آینده، نگاه بدبینانه نباشد؛ نگاه امیدوارانه باشد، نه نگاه نومیدانه. اگر نگاه نومیدانه شد، نگاه بدبینانه شد، نگاه «چه فایده‌ای دارد» شد، به دنبالش بی‌عملی، به دنبالش بی‌تحریکی، به دنبالش انزواء است؛ مطلقاً دیگر حرکتی وجود نخواهد داشت؛ همانی است که دشمن میخواهد.

بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران کردستان 1388/02/22

ملت ما، جوانان ما، زن و مرد ما نباید احساس کنند که دوران مجاهدت به پایان رسید، خطری ما را تهدید نمیکند. ممکن است خطر نظامی ما را تهدید نکند، همین جور هم هست. امروز ملت ایران به آن رتبه‌ای از اقتدار رسیده که خطرپذیری دشمنان خود را بسیار بالا برده، جرئت نمیکنند به این ملت تهاجم نظامی کنند؛ میدانند سرکوب خواهند شد؛ میدانند که این ملت مقاوم است. بنابراین خطر تهاجم نظامی بسیار پائین است؛ اما تهاجم فقط تهاجم نظامی نیست. دشمن به آن نفاطی متوجه میشود که پشتوانه‌ی استقامت ملی ماست. دشمن وحدت ملی و ایمان عمیق دینی را هدف قرار میدهد. دشمن روحیه‌ی صبر و استقامت مردان و زنان ما را هدف قرار میدهد؛ این تهاجم از تهاجم نظامی خطرناکتر است.

در تهاجم نظامی شما طرفتان را میشناسید، دشمنتان را می بینید؛ اما در تهاجم معنوی، تهاجم فرهنگی، تهاجم نرم، شما دشمن را در مقابل چشمتان نمی بینید. هوشیاری لازم است. من از همه ملت ایران بخصوص از خانواده های شهیدان و از همه شما عزیزان، بخصوص از جوانها خواهش میکنم با هوشیاری کامل مرزهای فکری و روحی را حراست کنید. نگذارید دشمن مثل موربانه های به جان پایه های فکری و اعتقادی و ایمانی مردم بیفتد و آنها را دچار رخنه کند؛ این مهم است. همه وظیفه داریم مرزهای ایمانی و مرزهای روحی خودمان را حفظ کنیم.

امروز متأسفانه دشمنان ملت ایران توانسته اند حتی تا پشت مرزهای ما حضور پیدا کنند. در گذشته و اوائل انقلاب هم، طراحی ها مال دشمنان بود؛ دشمنان قدرتمند، استخبار، صهیونیست؛ اما امروز همانها با تحولاتی که در منطقه پیش آمده، پایگاهها و مراکزی را در کنار مرزهای جغرافیائی شما به وجود آورده اند و از آن برای فعالیت های نرم و بسیار خصمانه استفاده میکنند. همه باید هوشیار باشند. و من بخصوص به جوانها عرض میکنم:

جوانان عزیز! میهن شما امروز احتیاج دارد به آگاهی، به بیداری. حرکات کسانی را که دلها را از وحدت و صمیمیت می خواهند دور کنند، رصد کنید. امروز در میدان شهر به همه عرض کردم، به شما هم عرض میکنم: کسانی می خواهند به هر وسیله ای، به هر بهانه ای، میان آحاد ملت اختلاف و تفرقه به وجود بیاورند. هر کسی که دیدید در این زمینه کار میکند، درباره ی او داوری کنید که سرانگشت دشمن است؛ بدانند یا ندانند. ممکن است ندانند، اما سرانگشت دشمنند؛ برای دشمن کار میکنند. نتیجه یکی است. آن کسی که دانسته به شما ضربه میزند، با آن کسی که ندانسته همان ضربه را وارد میکند، با هم فرقی در نتیجه ندارند. باید هوشیار بود؛ باید بیدار بود.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت 1387/09/24

علی رغم همه ی آنچه که انجام گرفته است در این سه دهه؛ توطئه های گوناگون، از موزیگری ها و توطئه های براندازی و کودتا که در سالهای اول، دهه ی اول انقلاب بود، تا جنگ تحمیلی، تا توطئه های به اصطلاح نرم از بعد از دهه ی اول و بعد از پایان جنگ به این طرف تا امروز، ملت ایران و جمهوری اسلامی ثابت کرد که شایسته و لایق باقی ماندن است؛ با قدرت ایستاد. بعد از این هم حوادث گوناگون عالم نخواهد توانست این درخت تناور را تکان بدهد، که آن روزی که یک نهال بود، نتوانستند از جا درش بیاورند، امروز تبدیل شده به یک درخت تناور و ریشه دار. جمهوری اسلامی را نمیتوانند تکان بدهند. ما باید خودمان مراقب باشیم که از درون پوک نشویم؛ از درون پوسیده نشویم. از دشمن بیرونی، آن وقتی که ما سلامت معنوی خودمان را حفظ کردیم، راهی را که اسلام و جمهوری اسلامی به ما نشان داده، پیش رفتیم و از آن راه منحرف نشدیم، مطلقاً ترسی نداریم؛ به ما آسیبی نمیزند؛ نمیتواند آسیب بزند.

بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه های استان یزد 1386/10/13

آنی که ما به شدت نیازمند اعتماد به نفس او هستیم، قشر جوان ماست؛ بخصوص قشر جوان اهل علم و فرزانه و بالقوه اداره کننده ی بخشی از آینده ی این کشور؛ چه اداره کننده ی علمی، چه اداره کننده ی سیاسی، چه اداره کننده ی عملی و اجرایی. این قشر باید توصیه ی به اعتماد به نفس را - که من دیروز به صورت گذرا گفتم و امروز میخواهم قدری بیشتر درباره ی آن حرف بزنم - درست به گوش بشنود و از اعماق دل بپذیرد و در همه ی فعالیت های خود آن را محور و ملاک قرار بدهد.

چرا من مسئله ی اعتماد به نفس را اصلاً مطرح میکنم؟ مگر در کشور چه اتفاقی افتاده که بنده اصرار دارم روی اعتماد به نفس ملتمان یا جوانانمان تکیه کنم؟ توضیحی وجود دارد. ملت ما بر اثر انقلاب، بر اثر دفاع مقدس، بر اثر تأثیر شخصیت ویژه ی امام - که حالا بعد اگر ان شاء الله یادمان ماند، اشاره میکنم که در ایجاد اعتماد به نفس ملی، شخص امام و عناصر تشکیل دهنده ی شخصیت او، یکی از بیشترین تأثیرها را داشت - و بر اثر پیشرفت های گوناگون، امروز به یک نصاب قابل قبولی از اعتماد به نفس دست یافته است. بیم آن هست که در عرصه ی جنگ های روانی و تبلیغاتی و به اصطلاح جنگ نرم بین ما و دشمنانی که بسیار اصرار بر ادامه ی این نبرد دارند، این اعتماد به نفس یا خدشه پیدا کند، تضعیف بشود، متزلزل بشود یا لاقول در حدی که ملت ما به آن احتیاج دارد، پیش نرود. ما در نیمه ی راهیم. من به عیان می بینم که در ذهن و زبان و عمل بسیاری از برجستگان کشورمان این اعتماد به نفس هنوز به حد نصاب لازم نرسیده.

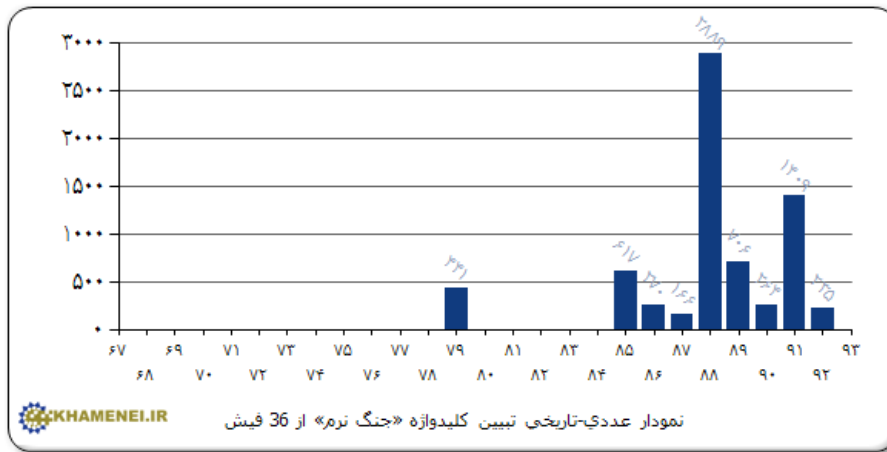
بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی 1385/03/29

آزادی را نباید بد معنا کرد. آزادی یکی از بزرگترین نعمتهای الهی است که یکی از شعبش آزاداندیشی است. بدون آزاداندیشی، این رشد اجتماعی، علمی، فکری و فلسفی امکان ندارد. در حوزه های علمی، دانشگاه و محیط های فرهنگی و مطبوعاتی، هو کردن کسی که حرف تازه ای می آورد، یکی از بزرگترین خطاهاست؛ بگذارید آزادانه فکر کنند. البته من فهم غلط از آزادی را تأیید نمی کنم؛ من باز گذاشتن دست دشمن را در داخل برای اینکه مرتباً گاز سمی تولید کند و در فضای فرهنگی یا سیاسی کشور بدمد، تأیید نمی کنم؛ من براندازی خاموش را - آنچنانی که خود امریکاییها گفتند و عواملشان چند سال قبل در اینجا سادگی و بی عقلی کردند و به زبان آوردند - برنمی تابم و رد می کنم؛ اما توسعه ی آزادی و رها بودن میدان برای پرورش فکر و اندیشه و علم و فهم، ربطی به اینها ندارد. ظرافتی لازم است که آدم این دو منطقه را از همدیگر باز بشناسد و مرز اینها را معین بکند. آزادی و آزاداندیشی، یکی از مبانی اصلی اصولگرایی است.

امروز مهمترین چالش بیرونی تحمیلی ما، از ناحیه ی امریکاست؛ در این هیچ تردیدی نداشته باشید. اینها روی خاور میانه از قرن نوزدهم برنامه ریزی دارند - نه امریکاییها، غرب - چون خاورمیانه منطقه ی فاصل بین دریای مدیترانه و اقیانوس هند است. دریای مدیترانه، محل استقرار دولتهای استعمارگر است و اقیانوس هند، منطقه ی مستعمرات؛ و خاور میانه بین این دو منطقه حساس قرار گرفته، که نمی توانستند نسبت به آن بی تفاوت باشند. فشارهای انگلیس روی ایران و نفوذش در قرن نوزدهم، برای حفاظت از هند - که آن روز جزو دولت بریتانیا بود - انجام گرفت و ما آن روز قربانی هند شدیم؛ و این نسبت به همه ی خاور میانه تعمیم دارد. پیدایش اسرائیل هم از همین جاست. بعد، عوامل گوناگون دیگری هم پیدا شد: مسئله ی نفت، مسئله ی تقسیم متصرفات عثمانی بعد از جنگ اول و مسئله ی پیدایش شوروی، که همه ی اینها، موضوع را تشدید کرد. غرب، بعد هم در آخر میراث خوار غرب - امریکا - روی منطقه ی خاور میانه برنامه ریزی دارند. حالا در این منطقه حساس که در آن نفت و منطقه ی راهبردی و استراتژیک جغرافیایی و سیاسی و همه چیز هست، ناگاهان دولتی به نام «جمهوری اسلامی»، با اصول خودش و با ضدیت با مبانی ظالمانه و سیاست متجاوزانه ی امریکا، سر بلند کرده است. بعضیها می گویند: شما چرا لاج امریکا را در می آورید؟ لاج امریکا را ملت در آورند؛ شما در آورید؛ جمهوری اسلامی را تشکیل دادید، لاج امریکا در آمده، چه کارش کنیم؟ آنها در آن دوره ی ده ساله ی اول، با توطئه ی براندازی سخت - جنگ تحمیلی و تحریم اقتصادی - شروع کردند؛ اما نتوانستند کاری بکنند. جنگ تحمیلی و تحریم اقتصادی، هر کدام به نحوی برای ملت ایران و جمهوری اسلامی یک فرصت شد. این ابرهای تیره ای که آنها روی سر ملت ایران راه انداختند، در دل خود، برای ملت ایران بارانهای نافع داشت. جنگ، ما را مصمم و استوار کرد؛ تحریم اقتصادی، ما را به فکر اتکال به خود انداخت و همه ی این برکات را برای ما آورد. در دوره ی بعد، براندازی نرم را دنبال کردند - تهاجم فرهنگی و شبیخون فرهنگی - که آن هم به جایی نرسید و بعد از سالهای متمادی، نتیجه این شد که حالا یک دولت متکی به اصول و با شعار اصول سرکار می آید، که پیداست تهاجم فرهنگی نتوانسته آن کاری که آنها می خواستند، بکند. بعد از این هم توطئه های دیگر در راه است، که ما باید خودمان را مصون کنیم. بخشی از این مصونیت با اتحاد، با ایمان، با به کارگیری عقل و علم به وجود می آید. تأکید می کنم که اگر انسان چشم را ببندد و راه بیفتد، کاری پیش نمی رود؛ با چشم باز، با حواس جمع، با اتحاد کلمه و با استفاده از همه ی فرصتها باید پیش رفت. همه ی مشکلات یکی پس از دیگری حل خواهد شد؛ قله ها یکی پس از دیگری فتح خواهد شد.

به نظر من غیر از مسائلی از قبیل قاچاق و عوارضی که در این زمینه وجود دارد و در بعضی از مرزها و جاهای گوناگون دیده می‌شود، عمده‌ی آن چیزی که باید آماج ذهن و فکر و عمل شما قرار گیرد، مسأله‌ی براندازی است. کسانی که این امر خیانت‌آمیز را دنبال و برای آن پول خرج می‌کنند، درصددند این را از ذهن مسؤولان رده‌های مختلف، از رده‌های بالا تا پایین، دور کنند - در این زمینه مردم را چندان مورد خطاب قرار نمی‌دهند - تا مسؤولان ملتفت نشوند که قضیه چیست و اینها بتوانند کارشان را انجام دهند. لذا هر کس از تلاش برای براندازی و این‌که توطئه‌های علیه انقلاب و ملت ایران وجود دارد، بحث کند و یا از دشمن خارجی صحبت کند، جنجال عظیمی راه می‌اندازند. امروز مسؤولان سیاسی و امنیتی دستگاه‌های ضد نظام جمهوری اسلامی در آمریکا و اروپا در گفتارهای خودشان تصریح می‌کنند و برای ایجاد رادیو پول می‌دهند و می‌گویند این برای مقابله‌ی با نظام جمهوری اسلامی است - این را تصادفاً بنده خودم از یکی از همین رادیوهایی که می‌دانید با پول سرویس‌های امنیتی آمریکا به وجود آمد، شنیدم - تصریح هم نکنند، همه می‌فهمند؛ اما تصریح می‌کنند که ما می‌خواهیم با اساس نظام و استوانه‌های آن مقابله کنیم؛ تصریح می‌کنند که باید قانون اساسی نظام عوض شود؛ تصریح می‌کنند که باید براندازی انجام گیرد؛ منتها لطف می‌کنند و می‌گویند براندازی آرام باید انجام گیرد! آیا این بخردانه و هوشمندانه است که ما چشم خود را بیندیم و بگوییم نه، چنین چیزی وجود ندارد؟! واقعاً وجود دارد؛ نشانه‌هایش را می‌بینیم و احتیاج نداریم که دنبال شواهد احتمالی بگردیم.

امروز یکی از کارهای امنیتی مسؤولان اطلاعات عبارت است از شناسایی نفوذیهایی که از خارج وارد کشور می‌شوند و خمپاره و مواد منفجره و امثال اینها را به داخل می‌آورند. از آن طرف هم نمایندگان کنگره‌ی آمریکا و فلان بخش دولتی اروپا به اینها امضاء می‌دهند! معنای این کارها چیست؟ آیا اینها به هم ربط ندارد و به یکدیگر متصل نیست؟ کسانی که اینها را راه می‌اندازند و به داخل می‌فرستند، همان کسانی هستند که در کنگره‌ی آمریکا یک طور و در فلان کشور اروپایی یک طور، از رئیس جمهور، از نخست وزیر و از نماینده‌ی مجلس تأیید و امضاء و کمک و تشویق و پول می‌گیرند. مگر معنای ارتباط با خارج چیست؛ چرا ما باید چشمان خود را بیندیم؟ اگر ما دشمن خود را بینیم و به فکر مقابله‌ی با او نباشیم، چه کسی ما را تشویق و تحسین می‌کند؟ ما در داخل کشور، دشمن فرضی درست می‌کنیم؛ جناح‌ها همدیگر را دشمن عمده می‌کنند؛ این جناح علیه آن جناح، آن جناح علیه این جناح! آیا این عقلایی است؟! آیا این لازمی اداره‌ی درست کشور است؟!



مقالات مرتبط

تهدید نرم، ابعاد و ویژگی‌ها نویسنده : علی محمد نائینی